

عنوان مقاله:

رابطه بین تجربه آزرديدگی در دوره کودکی و دشواری تنظیم هیجانی با افکار خودکشی در اقدام کنندگان به خودکشی

محل انتشار:

سومین کنفرانس دانش و فناوری روانشناسی، علوم تربیتی و جامعه شناسی ایران (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 10

نویسندگان:

نعیمه اکبر قرالی - دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد، ارومیه.

رحیم شبانی - استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، ارومیه.

خلاصه مقاله:

افکار خودکشی تمایلی به خودکشی است که در ذهن فرد وجود دارد ولی به مرحله ی عمل در نیامده است عوامل مختلفی در آشکارسازی و اندازه گیری شدت نگرش ها، رفتارها و طرح ریزی برای ارتکاب به خودکشی استفاده میشود و کاربرد عملی در جهت ارزیابی دقیق افکار خودکشی دارند که از این میان آزرديدگی در دوران کودکی و کنترل هیجان در افراد از پارامترهای بحرانی میباشد هدف این پژوهش بررسی رابطه ی آزرديدگی دوران کودکی و دشواری تنظیم هیجان با افکار خودکشی در اقدام کنندگان به خودکشی بود. روش پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی می باشد. جامعه ی آماری شامل کلیه ی افرادی ست که طی شش ماه دوم سال 1396 در آذربایجان غربی اقدام به خودکشی کرده بودند. اطلاعات مورد نیاز این پژوهش با پرسشنامه های افکار خودکشی بک، آزرديدگی دوران کودکی و دشواری تنظیم هیجان، جمع آوری شده و با نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته های پژوهش نشان داد که بین آزرديدگی دوران کودکی و دشواری تنظیم هیجان با افکار خودکشی رابطه ی مثبت و معناداری وجود داشت. نتایج رگرسیون گام به گام نشان داد که آزرديدگی دوران کودکی و دشواری تنظیم هیجان می تواند 12 درصد واریانس افکار خودکشی را پیش بینی کند. نتیجه اینکه برای کاهش افکار خودکشی توجه به نقش آزرديدگی دوران کودکی و دشواری تنظیم هیجان حائز اهمیت است.

کلمات کلیدی:

نرم افزار SPSS، آزرديدگی دوران کودکی، دشواری تنظیم هیجان، افکار خودکشی، آذربایجان غربی.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/929740>

